

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۲۲

مجید پرچمی جلال^۱، اسفندیار زبردست^۲، حمید فصیحی^۳

کاربست مدل‌های ارزش نسبی در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری با رویکرد مدیریت سبب پروژه بررسی موردی: معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران^۴

چکیده

مدیریت سبب پروژه رویکردی نو و برگرفته از دانش مدیریت پروژه است که برای بهره‌وری هرچه بهتر و مؤثرتر مجموعه پروژه‌ها و طرح‌ها در سازمان‌های پروژه‌محور مورد تأکید است. از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده مدیریت سبب پروژه می‌توان به چارچوب یا مدل فرآیندی، معیارهای تصمیم‌گیری و ابزارها و تکنیک‌های انتخاب سبب پروژه اشاره کرد. تصمیم‌گیری مناسب در مورد انتخاب این اجزا متناسب با ویژگی‌های هر سازمان از اقدامات اصلی و تأثیرگذار در مدیریت سبب پروژه به شمار می‌رود. این مقاله با ارائه چارچوب مدیریت سبب پروژه، به دنبال شناسایی ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب سبب پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و ارائه روش ترکیبی برای انتخاب آن است. این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است و از حیث گردآوری داده‌ها، یک تحقیق توصیفی - پیمایشی محسوب می‌شود. فرآیند مدیریت سبب پروژه از چهار گام انتخاب سبب، تصویب، اجرا و نظارت تشکیل می‌شود که برای انتخاب سبب پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری پیشنهاد می‌شود با لحاظ کردن معیارهای فنی، مالی، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی، رقابتی و ریسک، از ترکیب روش‌های دلفی برای شناسایی این معیارها، از فرآیند تحلیل شبکه‌ای برای امتیازدهی آنها و از تکنیک تاپسیس برای رتبه‌بندی پروژه‌ها و انتخاب سبب‌ی بهینه از آنها استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت سبب پروژه، انتخاب و اولویت‌بندی، پروژه شهری، دلفی، فرآیند تحلیل شبکه‌ای، تاپسیس.

^۱ دانشیار گروه مدیریت پروژه و ساخت، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: parchamijalal@ut.ac.ir

^۲ استاد گروه برنامه‌ریزی شهری، منطقه‌ای و مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: zebardst@ut.ac.ir

^۳ کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران

E-mail: H.Fasihi70@ut.ac.ir

^۴ این مقاله، برگرفته از بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد حمید فصیحی، با عنوان «مدیریت پروژه‌های شهری با رویکرد مدیریت سبب پروژه؛ مورد مطالعاتی: شهرداری تهران» به راهنمایی دکتر اسفندیار زبردست و دکتر مجید پرچمی جلال در دانشکده شهرسازی دانشگاه تهران است.

مقدمه

یکی از مسائل و مشکلاتی که امروزه حکومت‌های محلی با آن مواجه هستند، ناکافی بودن منابع و روبه‌رو بودن با انبوهی از پروژه‌های اولویت‌دار و در حال اجراست؛ درحالی‌که منابع آنها معمولاً کمتر از منابع موردنیاز برای شروع پروژه‌های جدید و یا اتمام پروژه‌های پیش‌رو است (Pennypacker & Dye, 2002, 3). در حالت کلی سازمان‌ها به‌خوبی از عهده‌اداره‌ی یک یا تعداد معقولی از پروژه‌ها برمی‌آیند، اما وقتی تعداد پروژه‌ها افزایش می‌یابد، یا پیچیده‌تر می‌شود و در کنار آن باید در محیطی با منابع محدود باهم رقابت کنند، چالش‌ها نمود پیدا می‌کند. عموماً مشاهده می‌شود سازمان‌ها در صورت فقدان یک نظام مدیریتی متمرکز و نظام‌مند برای پروژه‌ها، با مشکلاتی همچون تعارض پروژه‌ها با همدیگر، انتخاب مجدد پروژه‌های مشابه با موارد ناموفق گذشته، تنوع بیش‌ازحد پروژه‌ها، گسترده شدن ناآگاهانه دامنه فعالیت‌ها، انتخاب تعداد پروژه‌های بیش از توان اجرایی و مالی و غیره روبه‌رو می‌شوند (زارع اشکذری، ۱۳۹۰، ۲). تعداد محدودی از سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و حتی دولتی، در سال‌های اخیر برای مقابله با این مشکلات، رویکرد خود را از مدیریت پروژه‌محوری به سمت مدیریت سبد پروژه‌محوری سوق داده‌اند (Petro & Gardiner, 2015, 1718).

مدیریت سبد^۱ پروژه، رویکردی نو و برگرفته از دانش مدیریت پروژه است و می‌توان آن را به معنای مدیریت متمرکز و یکپارچه مجموعه‌ای از پروژه‌ها و طرح‌ها تعریف کرد که در وهله‌ی اول اجزای سازمان (پروژه‌ها، طرح‌ها و عملیات) را با استراتژی‌های سازمانی هم‌سو می‌نماید و در ادامه با بهینه‌نمودن اهداف، وابستگی‌ها، هزینه‌ها، زمان، منافع و منابع، ریسک‌های پروژه‌ها و طرح‌ها را به‌صورت نظام‌مند و یکپارچه سازمان‌دهی می‌کند (PMI, 2017, 5). به بیانی مدیریت سبد پروژه را می‌توان به‌عنوان پلی میان مدیریت استراتژی و مدیریت طرح و پروژه تصور کرد (Cooper, Edgett & Kleinschmidt, 2001, 364) که در کنار تأکید بر انجام درست پروژه (کارایی) توجه خاص و ویژه‌ای به انجام پروژه مناسب (اثربخشی) دارد (Kaiser et al., 2015, 127). از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده مدیریت سبد پروژه می‌توان به چارچوب‌ها (فرآیند)، معیارهای تصمیم‌گیری و درنهایت ابزار و تکنیک‌های انتخاب سبد اشاره کرد. تصمیم‌گیری در مورد روش مناسب جهت انتخاب و اولویت‌بندی مناسب پروژه‌ها و انتخاب سبد بهینه‌ای از آنها به‌عنوان یکی از مراحل اصلی و تأثیرگذار در مدیریت سبد پروژه مطرح است.

برای مسئله انتخاب سبد بهینه پروژه‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های متنوعی ارائه شده است که هر یک دارای نقاط ضعف و قوت خاص خود هستند. تجربه نشان داده است که استفاده صرف از رویکردهای مالی منجر به ایجاد سبد بهینه نمی‌شود. اگرچه همواره بحث سود پروژه‌ها در زمان بهره‌برداری معیاری برای تکمیل هرچه سریع‌تر پروژه‌ها بوده است، لیکن در مفاهیم سبد پروژه با تأکید بر پروژه‌های هدف این تحقیق (پروژه‌های شهری)، تطابق اهداف و استراتژی‌های پروژه‌ها با اهداف و استراتژی‌های سازمان باید هم‌ردیف با معیارهای مالی، اجتماعی، زیست‌محیطی مورد توجه قرار گیرد (Kester et al., 2011, 642). تمایل سازمان‌ها برای ترکیب تکنیک‌های مختلف جهت پاسخگویی به ملزومات انتخاب و اولویت‌بندی صحیح پروژه‌ها، افزایش یافته به‌طوری‌که استفاده از سیستم‌های یکپارچه و تعاملی بر اساس سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری بیشتر به چشم می‌خورد. ارائه مدل جامع و کلی در سازمان‌هایی که باید از رویکرد مدیریت پروژه‌محوری به سمت رویکرد مدیریت سبد‌محوری حرکت کنند، می‌تواند نقشی کلیدی در توسعه مدیریت داشته باشد. این مقاله بر آن است تا با مروری بر رویکرد مدیریت سبد پروژه و روش‌های انتخاب آن، در گام اول روشی مناسب برای انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری یا به بیانی رویه‌ای برای تعریف و برنامه‌ریزی سبدهای پروژه‌های شهری ارائه نماید. سپس در گام‌های دوم و سوم در دل گام

اول، به ترتیب معیارهای مؤثر در انتخاب و اولویت‌بندی سبد پروژه‌های شهری را مشخص و رتبه‌بندی نماید و روش پیشنهادی را در معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران عملیاتی کند.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق

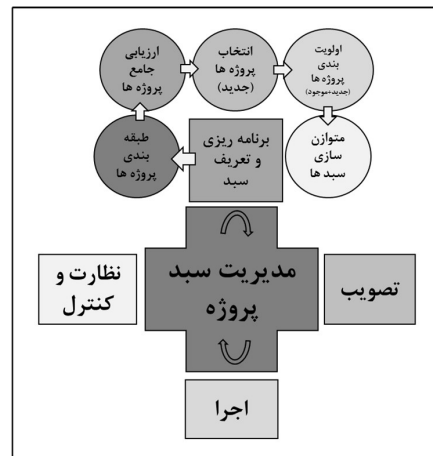
مدیریت سبد پروژه

در سال ۱۹۹۳، کلیند و کینگ^۲ دریافتند که افزایش به‌کارگیری مدیریت پروژه منجر به پروژه‌های بسیاری شده که علاوه بر خارج بودن از حیطه مأموریت سازمان، با سمت‌وسوی استراتژی سازمان مربوط نبودند و برخی از آنها نیز میزان تأمین مالی بالایی نیاز داشتند که با منابع موجود سازمان متناسب نیست (Levine, 2007, 20). همچنین در دهه ۸۰ میلادی موریس و هاگ در کتابی با عنوان کالبدشکافی پروژه‌های بزرگ با موردکاوی چندین پروژه بزرگ و اشاره به توانمندی‌های مدیریت پروژه و دارا بودن فنون قوی برای حل مسائل مدیریت تصریح می‌کنند، مدیریت پروژه آن‌چنان قادر به حل تمامی مسائل مربوط به مجموع پروژه‌ها نیست و نیاز به مدیریت کلان و مدیریت راهبردی در مدیریت پروژه‌ها را گوشزد می‌کند. تصور مدیریت پروژه‌هایی که از یک طرف به‌منظور کاهش پیامد ریسک، متنوع هستند و از طرف دیگر برای رسیدن به اهداف سازمان به‌عنوان یک کل با راهبرد سازمانی هم‌راستا شده‌اند و این حقیقت که زمان را نباید از دست داد، بدون وجود نظامی که بتواند راهبری سازمانی را پوشش دهد، غیرممکن است.

اینجاست که مدیریت سبد پروژه^۳ متولد می‌شود. نوزادی که شاید پدیده دهه حاضر در زمینه مدیریت باشد (شعاری، ۱۳۸۸، ۵۰). با توجه به حوزه‌های کاربردی مدیریت سبد پروژه، می‌توان تعاریفی برای آن شمرده. با بررسی موشکافانه و جمع‌بندی تعاریف موجود، می‌توان چنین بیان کرد که مدیریت سبد پروژه، به معنای مدیریت متمرکز و یکپارچه مجموعه‌ای از پروژه‌ها یا طرح‌هاست که در وهله اول اجزای سازمان را (پروژه‌ها، طرح‌ها و عملیات) با استراتژی‌های سازمانی هم‌سو می‌نماید و در ادامه با بهینه نمودن اهداف، وابستگی‌ها، هزینه‌ها، زمان، منافع و منابع، ریسک‌های پروژه‌ها و طرح‌ها را به‌صورت سیستماتیک و یکپارچه سازمان‌دهی می‌کند. به بیانی مدیریت سبد پروژه را می‌توان به‌عنوان پلی میان مدیریت استراتژی و مدیریت طرح و پروژه تصور کرد که به دنبال بهره‌وری هرچه بیشتر پروژه‌هاست. (Rose, 2013, 9; PMI, 2017, 8; Rad & Levin, 2006, 10; Turner, 2014, 325; Levine, 2007, 22;)

(Petro & Gardiner, 2015, 1718; Kaiser et al., 2015, 127)

یکی از موارد مهمی که در استقرار نظام مدیریت سبد پروژه بسیار اهمیت دارد، انتخاب چارچوب یا مدل فرآیندی مناسب به‌تناسب نوع و شرایط سازمان است. فرایندهای مدیریت سبد پروژه، مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌های وابسته‌ای است که برای خلق محصول، خدمت یا نتیجه‌ای از پیش تعیین‌شده اجرا می‌شوند (Rose, 2013, 9). به‌رغم برخی تلاش‌ها در جهت دستیابی به فرآیندی یکپارچه، اجماع کلی بر سر یک فرایند اصلی وجود ندارد ولی در مجموع می‌توان گفت مجموع فرایندها مراحل یکسانی را از شناسایی فرصت‌ها تا تشکیل سبد و ارزیابی آن طی می‌کنند (Padovani & Carvalho, 2016, 628). هریک از سازمان‌ها و شرکت‌ها متناسب با ویژگی‌های سازمانی خود اقدام به تعریف مدل یا فرآیند مدیریت سبد پروژه می‌کنند و با ارزیابی دقیق، فرآیندی را پایه‌ریزی می‌نمایند که بیشترین بازدهی را داشته باشد. ولی در مجموع می‌توان با بررسی موشکافانه چارچوب‌های پیشنهادی صاحب‌نظران معروف (از جمله Ghase-mzadeh & Archer, 1999, 211; Englund & Graham, 1999, 54; Kendall & Rollins, 2003, 2010; Le & Nguyen, 2008; Levine, 2007, 29; PMI, 2017, 10; Pennypacker, 2011, 20; Turner, 2014, 328; Padovani & Carvalho, 2016, 629) فرآیند و چارچوب یکپارچه‌ای مطابق شکل ۱ ارائه نمود.



شکل ۱. چارچوب مدیریت سبب پروژه

به طور کلی مطابق با شکل ۱، فرآیند مدیریت سبب پروژه از چهار گام اصلی برنامه ریزی و تعریف سبب، تصویب، پیاده سازی (اجرا) و نظارت و کنترل آن تشکیل می شود. در گام برنامه ریزی و تعریف سبب، با توجه به گستردگی حوزه های کاری و سرمایه گذاری در سازمان ها، امکان مقایسه همه پروژه ها با یکدیگر با توجه به معیارهای کمی و کیفی مشابه وجود ندارد و نیاز است ابتدا پروژه ها با توجه به ویژگی های مشترک و حوزه های کاری خود در انواع مختلف دسته بندی شوند. در ادامه پروژه ها، هم به صورت تک تک و هم به صورت کلی بر اساس شاخص هایی مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. گام انتخاب و اولویت بندی پروژه ها، دو فرآیند مهم در تعریف سبب محسوب می شود. در فرآیند انتخاب، تعدادی از پروژه ها بر اساس پیشنهادهای ارائه شده در فرآیند ارزیابی و نیز معیارهای سازمان انتخاب می شوند و برای اولویت بندی آماده می گردند. هیچ پروژه ای نباید به طور مجزا انتخاب گردد بلکه باید در نسبت با سایر پروژه ها، مورد مطالعه و انتخاب قرار گیرد. اولویت بندی پروژه ها طبق فرآیندهای مدیریت سبب پروژه، مرحله بعد از انتخاب پروژه ها را شامل می شود و فرآیندی است که در آن پروژه های انتخاب شده (بالقوه) و پروژه های در حال اجرا (بالفعل) را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و تصمیم به انتخاب، تداوم و یا حذف پروژه ها گرفته می شود. در گام دوم، در مورد تخصیص، تعویق و حتی تقطیع منابع در رابطه با سبب تعریفی توسط کارگروه های ویژه تصمیم گیری می شود. در گام سوم، با به کارگیری استانداردهای مدیریت پروژه و طرح، سبب تصویب شده به مرحله اجرا درمی آید و نهایتاً در گام آخر، سبب در حال اجرا مورد پایش و نظارت مستمر قرار می گیرد و در مورد تغییرات و فرصت های پیش آمده در طول چارچوب، عکس العمل های لازم انجام می گیرد.

مدل های انتخاب سبب پروژه

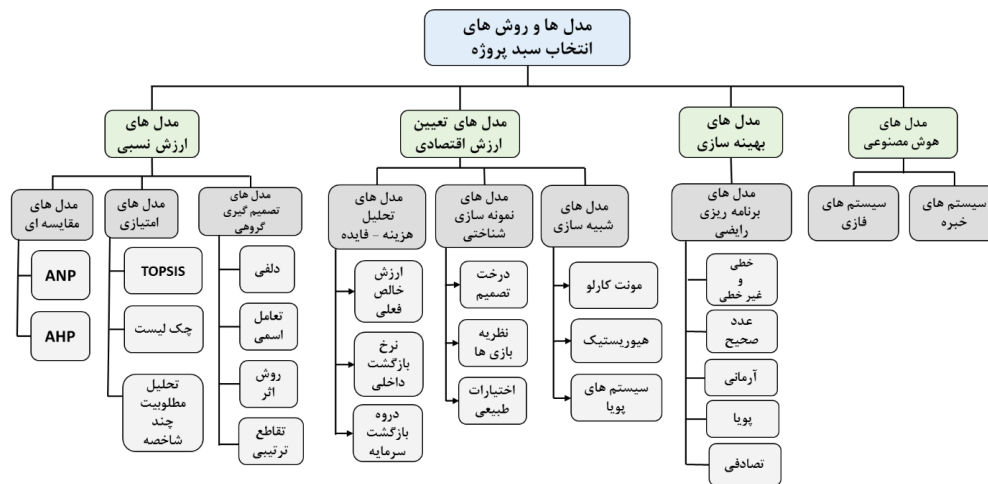
مرحله انتخاب و اولویت بندی پروژه ها، دو فرآیند مهم در تعریف سبب به شمار می روند که سازمان ها با تعریف اصول و معیارهایی اقدام به گزینش، حذف و تداوم پروژه های مورد نظر می کنند. آنچه در این بین مهم به نظر می رسد، انتخاب روش و مدلی مناسب برای انتخاب و اولویت بندی پروژه ها است. سودر^۴ معیارهای واقعیت گرایی^۵، قابلیت^۶، انعطاف پذیری^۷، سهولت استفاده^۸، هزینه^۹ و سهولت در رایانه کردن^{۱۰} را به عنوان معیارهای مهم و کلی در گزینش یک مدل مناسب برای ارزیابی و انتخاب پروژه ها می داند. به طور کلی مدل ها و روش های انتخاب سبب پروژه را می توان مطابق جدول ۱ طبقه بندی کرد.

جدول ۱. طبقه‌بندی مدل‌های انتخاب سبب پروژه

ابعاد کلی	دسته	مدل / روش	شرح
۱- مدل‌های ارزش نسبی Relative Value Models	۱-۱. مدل‌های مقایسه‌ای Comparative Models	۱-۱-۱. فرآیند تحلیل شبکه‌ای Analytic Network Process	در دسته مدل‌های مقایسه‌ای در کنار در نظر گرفتن معیارهایی برای ارزیابی پروژه‌ها، هر پروژه پیشنهادی با یک یا مجموعه‌ای از پروژه‌های پیشنهادی یا موجود مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. در این مدل از تخمین‌ها و اظهارنظرهای ذهنی در کنار ویژگی‌ها عینی استفاده می‌شود. در این روش اگر یک پروژه پیشنهادی به مجموعه اضافه شود و یا از آن حذف شود، کل فرآیند مقایسه باید مجدداً تکرار شود و در کنار آن مزیت اندازه‌گیری شده برای هر پروژه تنها در ارتباط با سایر پروژه‌های پیشنهادی تعبیر می‌شود و به‌تنهایی معنی خاصی ندارد. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) از رویکردهای اصلی مدل‌های قیاسی به حساب می‌آیند.
		۱-۱-۲. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی Analytic Hierarchy Process	
۱-۲. مدل‌های امتیازی (نمره دهی) Scoring Models	۱-۲-۱. تکنیک مقایسه‌ی شباهت Technique Of Preferences To Similarity To Ideal Solution	۱-۲-۱. تاپسیس	در دسته مدل‌های امتیازی برای تعیین درجه اهمیت پروژه‌ها، تعدادی معیار برای مقایسه آنها با همدیگر در نظر گرفته می‌شود. گروه تصمیم‌گیری موجود در فرآیند انتخاب، میزان شایستگی هر پروژه را در هر معیار تعیین می‌کند. هر معیار به شکل مناسبی وزن‌دهی می‌گردد تا اهمیت نسبی آنها با هم در نظر گرفته شود. سرانجام امتیازهای نهایی هر کدام از پروژه‌ها به‌طور معمول از طریق عملیات جمع و ضرب تعیین شده و بر اساس آن پروژه‌ها برای انتخاب رتبه‌بندی می‌شوند. در این مدل امکان افزودن و یا حذف کردن پروژه بدون تأثیرگذاری بر سایر پروژه‌ها وجود دارد. همچنین در این روش می‌توان از داده‌های کمی و کیفی به‌طور همزمان استفاده کرد. از معایب این روش می‌توان به استقلال زوجی معیارها اشاره کرد که در دنیای واقعی به‌ندرت اتفاق می‌افتد.
		۱-۲-۲. چک‌لیست Checklist Models	
		۱-۲-۳. تحلیل مطلوبیت چند شاخصه Multi Attribute Utility Analysis	
۱-۳. مدل‌های تصمیم‌گیری گروهی Group Decision Making Models	۱-۳-۱. دلفی Delphi	۱-۳-۱. دلفی	از مدل‌های تصمیم‌گیری گروهی، به‌عنوان ابزار غربالی یا طوفان فکری نیز یاد می‌شود چراکه داده‌های مورد نیاز برای مدل‌های پیچیده‌تر را تولید می‌کند. هدف از توسعه این تکنیک‌ها، جمع‌آوری نظام‌مند و تلیق دانش و قضاوت خبرگان در حوزه تخصصی آنهاست.
		۱-۳-۲. فرآیند تعامل (گروه) اسمی Nominal Interacting Process	روش دلفی معروف‌ترین تکنیک تصمیم‌گیری گروهی است. در این روش قضاوت‌ها، بینش‌ها و انتظارات گروهی از خبرگان و از طریق توالی کنترل‌شده‌ای از فرم‌های تکرار شونده استخراج می‌شود. درحالی‌که یک گروه هماهنگ‌کننده امکان تعامل خبرگان باهم به‌صورت ناشناس و از طریق نامه را فراهم می‌کند.
		۱-۳-۳. روش اثر Impact Method	
		۱-۳-۴. روش تقاطع ترتیبی Ordinal Intersection Method	
۲-۱. مدل‌های تحلیل هزینه-فایده Cost - Benefit Analysis Models	۲-۱-۱. ارزش خالص فعلی Net Present Value	۲-۱-۱. ارزش خالص فعلی	در مدل‌های تحلیل هزینه-فایده، ارجحیت با میزان سودآوری و بازده اقتصادی پروژه‌ها است. پروژه‌هایی شانس زیادی برای انتخاب شدن دارند که با کمترین هزینه، کمترین زمان، بیشترین کیفیت و بازده را به همراه داشته باشند. در این روش مقایسه به زبان ساده و قابل درک صورت می‌گیرد و سرمایه‌گذاری‌های خوب به‌روشنی قابل شناسایی هستند و استفاده گسترده‌ای در زمینه‌های کسب‌وکار دارد.
		۲-۱-۲. نرخ بازگشت داخلی Internal Rate Of Return	
		۲-۱-۳. دوره بازگشت سرمایه Payback Period	
۲-۲. مدل‌های ارزش اقتصادی Economic Value Models	۲-۲-۱. مدل درخت تصمیم Decision Tree Models	۲-۲-۱. مدل درخت تصمیم	در مدل درخت تصمیم، حالت‌های مختلف محیط و فضای تصمیم برای هر پروژه به‌صورت نمودار درختی بر شمرده شده و احتمال رخداد هر یک برآورد می‌گردد. سپس ارزش مورد انتظار هر پروژه، به‌صورت مجموع وزنی ارزش آن در حالت‌های مختلف محاسبه می‌گردد و احتمال رخداد هر حالت به‌عنوان وزن آن در نظر گرفته می‌شود. به‌علاوه به کمک درخت تصمیم می‌توان مجموعه‌ای از تصمیمات سرمایه‌گذاری را در طول زمان و تحت شرایط عدم قطعیت نمایش داد و تحلیل نمود.
		۲-۲-۲. نظریه بازی‌ها Game Theory	نظریه بازی‌ها برای مواردی کاربرد دارد که ذینفعان به‌طور آشکار، در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند. با توجه به وجود پیچیدگی‌های فراوان بین دنیای واقعی و نظری، فرضیات ساده‌کننده زیادی نیاز است تا بتوان این مدل را به کار بست. مدل‌های رویکرد نظریه بازی‌ها را با توجه به تعداد مراحل مسابقه، تعداد رقبا و میزان اطلاعات درباره وضعیت رقبا می‌توان تقسیم‌بندی کرد. در نظریه بازی‌ها برخلاف تئوری تصمیم که فرض بر عدم تأثیر تصمیمات و اقدامات سازمان بر محیط است، رقابتی را به شکل منطقی و واقعی که به اقدامات سازمان واکنش می‌دهند، در نظر می‌گیرد.
		۲-۲-۳. اختیارات طبیعی Real Option	در این رویکرد برای هر پروژه چندین حالت مثلاً امتیاز اختراع، تولید در آینده، انصراف و غیره به‌عنوان اختیار در نظر گرفته شده و سپس سود و زیان حاصل برای هر یک از آنها محاسبه می‌گردد و تصمیم‌گیرنده با اعمال عدم قطعیت بازار، بین حالات مختلف سبک و سنگین می‌نماید.
۲-۳. مدل‌های شبیه‌سازی Simulation Models	۲-۳-۱. مونت کارلو Monte Carlo	۲-۳-۱. مونت کارلو	این مدل‌ها نمایشی از سیستم‌های دنیای واقعی هستند و به سؤالاتی از جنس «چه می‌شود اگر» پاسخ می‌دهد. در مواردی که رویه‌های تحلیلی بسیار هزینه‌بر و یا زمان‌بر باشد و یا وجود نداشته باشد از این روش استفاده می‌شود. در مورد انتخاب سبب پروژه، زمانی که پروژه‌ها بتوانند با احتمالات مختلف به برآمدهای مختلف منجر شوند یا مسیرهای مختلفی تا اختتام داشته باشند و یا برآمدهای مختلف آنها ارزش‌های مختلفی داشته باشد و یا آنکه داده‌های مورد نیاز آنها موجود نبوده و یا غیردقیق باشد، از مدل‌های شبیه‌سازی استفاده می‌شود.
		۲-۳-۲. هیوریستیک heuristics	
		۲-۳-۴. سیستم‌های پویا	

ابعاد کلی	دسته	مدل / روش	شرح
۲. مدل‌های بهینه‌سازی Optimization Models	۳-۱. دسته مدل‌های برنامه‌ریزی ریاضی Mathematical Programming	۱-۳-۱. خطی و غیرخطی Liner & Non Liner	اولین فن مدیریت سبد، مبتنی بر برنامه‌ریزی ریاضی توسعه یافته است. در مدل‌های برنامه‌ریزی ریاضی انتخاب سبدی مناسب از پروژه‌ها از طریق بهینه‌سازی یک یا چند تابع هدف با توجه به محدودیت‌های مختلفی از قبیل میزان منابع، وابستگی بین پروژه‌ها، اهداف استراتژیک و غیره صورت می‌گیرد. در ادبیات سبد پروژه، برنامه‌ریزی ریاضی به صورت گسترده‌ای استفاده شده است. مدل‌های ریاضی، نمونه‌ای از مدل‌های بهینه‌سازی هستند که از تکنیک برنامه‌ریزی ریاضی برای تعریف و انتخاب سبد بهینه پروژه از بین پروژه‌های پیشنهادی جدید و موجود استفاده می‌نمایند که در آن تحقق حداکثری اهداف و در نظر گرفتن محدودیت‌های منابع در اولویت قرار می‌گیرد. رویکردهای برنامه‌ریزی ریاضی را می‌توان به صورت مدل‌های خطی یا غیرخطی، تک هدف یا چند هدف و قطعی و یا غیرقطعی طبقه‌بندی نمود.
		۲-۳-۱. عدد صحیح Integer	
		۳-۳-۱. آرمانی (هدف) Goal	
		۴-۳-۱. پویا Dynamic	
		۵-۳-۱. تصادفی Stochastic	
۴. هوش مصنوعی Artificial intelligence	۴-۱. سیستم‌های خبره Expert Systems	-	یک سیستم خبره در واقع یک برنامه کامپیوتری است که از فرایند استنتاج صورت گرفته توسط انسان تقلید می‌کند. در مواقعی که رتبه‌بندی و اولویت‌بندی پروژه‌ها توسط روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره به منظور انتخاب آنها صحیح نباشد، استفاده از سیستم‌های خبره می‌تواند به‌عنوان یک جایگزین مناسب مطرح گردد.
	۴-۲. سیستم‌های فازی Fuzzy Systems	-	در مدل‌های فازی، داده‌ها در قالب اعداد فازی و توابع عضویت معرفی می‌شوند و در نهایت خروجی مدل به صورت قطعی بیان می‌گردد.

منبع: Heidenberger & Stummer, 1999; Baker & Freeland, 1975; Schmidt & Freeland, 1992; Henriksen & Traynor, 1973; Brunner et al., 2008; Cooper et al., 2002; Ghasemzadeh, 1999; Souder, 1973
۱۳۸۹؛ حسن‌زاده، ۱۹۹۹



شکل ۲. طبقه‌بندی مدل‌ها و روش‌های انتخاب سبد پروژه

با بررسی موشکافانه مدل‌ها و روش‌های انتخاب سبد پروژه، می‌توان به این نکته پی برد که هیچ‌یک از روش‌ها، تمامی جنبه‌های انتخاب سبد پروژه‌ها را پوشش نمی‌دهند و هر یک در مقایسه با دیگری معایب و مزایایی دارد. در هر سازمان، ممکن است ترکیبی از روش‌های فوق استفاده شود به طوری که هر ترکیب منطقی از این فنون را می‌توان برای ساختن یک سبد بهینه از پروژه‌های شهری به کار بست. سازمان‌های عمومی همانند شهرداری‌ها باید طبق رسالت و مأموریت خود، تعریف و اجرای پروژه‌های مربوط به خود را بیشتر در جهت رفع نیازهای مردم و رضایت مشتریان سمت‌وسو دهند. بنابراین باید در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری و تعریف سبد بهینه‌ای از آنها، در کنار ابعاد اقتصادی برای سایر ابعاد همچون اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و غیره امتیاز ویژه‌ای قائل شد. از طرفی برای اینکه بتوان در انتخاب سبد پروژه‌های شهری از معیارهای کمی و کیفی به صورت توأمان استفاده کرد، کار بست مدل‌های ارزش نسبی به صورت ترکیبی می‌تواند راهگشا باشد. مدل‌های ارزش نسبی اعم از مدل‌های

مقایسه‌ای، مدل‌های امتیازی و تکنیک‌های تصمیم‌گیری گروهی دارای یک ویژگی مشترک هستند و به هر پروژه‌ای که در فرآیند انتخاب به‌عنوان یک پیشنهاد مطرح است، درجه ارجحیت^{۱۱} تخصیص می‌دهند و پروژه‌هایی با درجه ارجحیت بالاتر به ترتیب و به‌صورت متوالی به سبب اضافه می‌شوند تا زمانی که محدودیت مسئله (مانند بودجه) نقض نگردند. سبب پروژه به‌دست آمده از این روش‌ها را می‌توان به‌عنوان ورودی برای روش‌های پیشرفته‌تر مثل روش‌های بهینه‌سازی انتخاب سبب پروژه یا رویکردهای ابتکاری و شبیه‌سازی که به جواب اولیه نیاز دارند، در نظر گرفت.

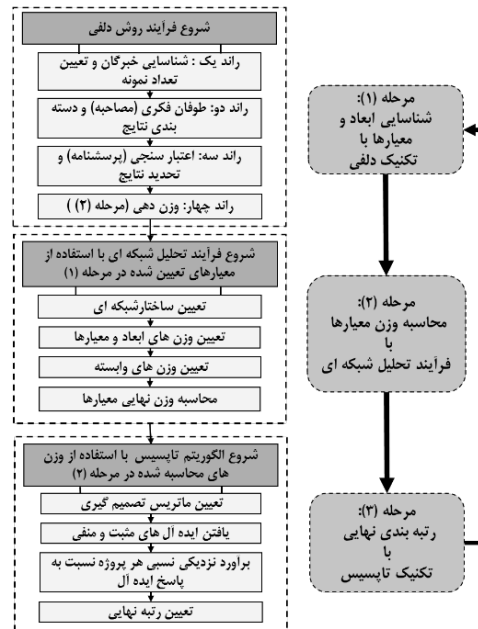
پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن مبحث مدیریت سبب پروژه در سازمان‌های دولتی و عمومی، تاکنون مطالعه جامع و کاملی در مورد این رویکرد و نقش آن در حکومت‌های محلی انجام نگرفته و عمده پژوهش‌ها در حوزه‌های فناوری اطلاعات و تحقیق و توسعه صورت گرفته است و مدل‌های زیادی برای کمک به سازمان‌های مربوط به آنها جهت تصمیم‌گیری در مورد مسئله انتخاب پروژه‌ها توسعه داده شده است. ادی و همکاران^{۱۲} (۲۰۰۵) فرایند تحلیل شبکه‌ای ANP را به دلیل لحاظ وابستگی بین معیارها و گزینه به‌عنوان روشی برای انتخاب پروژه‌های ساخت خود برمی‌گزینند (Cheng & Li, 2005). کیم اینگو و همکاران (۲۰۰۹) با در نظر گرفتن روابط متقابل بین معیارها و گزینه‌ها و وجود معیارهای کمی و کیفی در انتخاب پروژه‌ها، فرایند تحلیل شبکه‌ای فازی را برای انتخاب پروژه‌های سیستم‌های اطلاعاتی پیشنهاد می‌کنند (Kim et al., 2009). پنگسری (۲۰۱۵) برای انتخاب پروژه از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره استفاده کرد. او از ترکیبی از دو روش تحلیل سلسله مراتبی، و تاپسیس استفاده نمود. وی از تحلیل سلسله مراتبی برای وزن‌دهی به معیارها و به منظور انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌ها از روش تاپسیس استفاده کرد (Prapawan, 2015). ثقفی اصل و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از تکنیک تاپسیس به رتبه‌بندی پروژه‌های طراحی شهری با رویکرد سنجش تحقق‌پذیری می‌پردازند (ثقفی اصل و همکاران، ۱۳۹۲). با بررسی نمونه‌های مختلف پیشینه پژوهش، می‌توان به این نکته پی برد که اکثر پژوهش‌های انجام شده در حیطه سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی بوده که هدف نهایی آنها سود بیشتر است. از طرفی در اکثر روش‌ها و مدل‌های پیشنهادی رویکرد جامع و توجیه دلیل مند به انتخاب روش و مدل مناسب وجود ندارد و معمولاً یکی از روش‌های پیشنهادی این پژوهش استفاده شده است درحالی که می‌توان با اتخاذ یک رویکرد مناسب و در نظر گرفتن ماهیت پروژه‌های هدف، از ظرفیت‌های سایر روش‌ها و مدل‌ها به‌صورت ترکیبی نیز بهره برد و به نتایج قابل قبولی دست یافت.

روش‌شناسی

بر اساس مفاهیم و مبانی مطرح شده در بخش ادبیات موضوع، یک مدل ترکیبی از روش‌های ارزش نسبی شامل روش‌های دلفی، فرآیند تحلیل شبکه‌ای و تکنیک تاپسیس برای رتبه‌بندی پروژه‌ها و تعریف سبب بهینه‌ای از آن برای معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران ارائه شده است. این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است و از حیث گردآوری داده‌ها، یک تحقیق توصیفی - پیمایشی و از نوع داده‌ها و نحوه تجزیه و تحلیل آن یک تحقیق کیفی - کمی محسوب می‌شود. از بررسی اسناد و مدارک و تکنیک دلفی می‌توان به‌عنوان ابزار گردآوری داده‌ها نام برد. در این پژوهش، مطابق شکل ۳، در مرحله (۱) به‌منظور تعیین ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های معاونت

شهرسازی و معماری، در کنار بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان و خبرگان شهری و دانشگاهی مرتبط با موضوع که اعضای گروه دلفی پژوهش را تشکیل می‌دهند، استفاده شد. سپس در مرحله (۲) با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه‌ای و با کمک اعضای گروه دلفی، اوزان هر یک از ابعاد و معیارهای پژوهش مشخص شد و در مرحله (۳) به وسیله تکنیک تاپسیس رتبه‌بندی پروژه‌های سبد پروژه تعریفی معاونت شهرسازی و معماری مشخص گردید. ترکیب این سه روش را می‌توان به‌عنوان نوآوری این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های قبلی اشاره کرد.



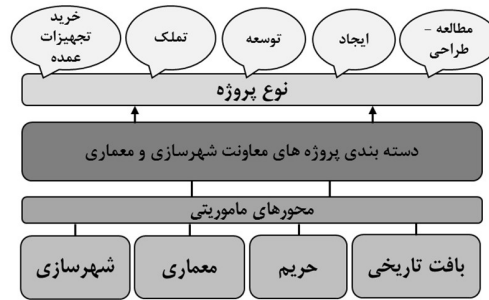
شکل ۳. روش انجام کار و مدل پیشنهادی برای انتخاب سبد پروژه

روش دلفی از معروف‌ترین و پرکاربردترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری گروهی به‌عنوان رویکردی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات از یک گروه متخصص و خبره در مورد یک موضوع یا سؤال، به‌شمار می‌رود (Hasson & Keeney, 2011, 1700). این روش برای مواقعی که نیاز به ارزیابی زمینه‌های جدید و نوظهور وجود دارد، مفید و قابل استفاده است و به سؤال «چه می‌تواند/چه باید باشد» پاسخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اجزا و الزامات آن، انتخاب و مشارکت خبرگان شایسته‌ای است که درک عمیقی از موضوع دارند. (Landeta, 2006, 468; Powel, 2003, 376) فرآیند تحلیل شبکه‌ای از روش‌های ارزیابی چندمعیاره^{۱۳} و زیرمجموعه مدل‌های مقایسه‌ای انتخاب سبد پروژه محسوب می‌شود و در همه علوم از جمله شهرسازی و مدیریت پروژه کاربرد وسیعی پیدا کرده است. توماس ساعتی^{۱۴} این فرایند را به دنبال محدودیت‌های روش تحلیل سلسله‌مراتبی^{۱۵} همچون در نظر نگرفتن وابستگی متقابل بین عناصر تصمیم (معیارها، زیرمعیارها و گزینه‌ها) معرفی می‌کند. ANP را می‌توان متشکل از دو قسمت دانست: سلسله‌مراتب کنترلی^{۱۶} و ارتباط شبکه‌ای^{۱۷}. سلسله‌مراتب کنترلی ارتباط بین هدف، معیارها و زیرمعیارها و گزینه‌ها را شامل شده و بر ارتباط درونی سیستم تأثیرگذار است و ارتباط شبکه‌ای وابستگی بین عناصر و خوشه‌ها را شامل می‌شود. همین ویژگی باعث شده، ANP وابستگی‌های متقابل بین عناصر

را فراهم آورده و در نتیجه نگرش دقیقی به مسائل پیچیده ارائه کند (زبردست، ۱۳۸۹، ۸۰). تکنیک تاپسیس به‌عنوان یکی از انواع روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه جبرانی در انتخاب و اولویت‌بندی محسوب می‌گردد. در مدل‌های جبرانی مبادله در بین شاخص‌ها مجاز است؛ یعنی تغییری کوچک در یک شاخص می‌تواند با تغییری مخالف در شاخص یا شاخص‌های دیگر جبران شود (Opricovic & Tzeng, 2004, 446). در این روش گزینه انتخابی باید دارای کمترین فاصله از وضعیت ایده‌آل مثبت (بهترین حالت) و بیشترین فاصله از وضعیت ایده‌آل منفی (بدترین حالت) داشته باشد (Onut & Soner, 2008, 1553). از مهم‌ترین محاسن تکنیک تاپسیس نسبت به سایر تکنیک‌های اولویت‌بندی، می‌توان به استفاده همزمان از شاخص‌ها و معیارهای عینی و ذهنی، در نظر گرفتن تضاد و تطابق بین شاخص‌ها، منطبق بودن نتایج حاصله با روش‌های تجربی اشاره کرد (شانیان، ۱۳۸۳، ۱۰۷).

به‌کارگیری روش پیشنهادی در تعریف سبد پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران

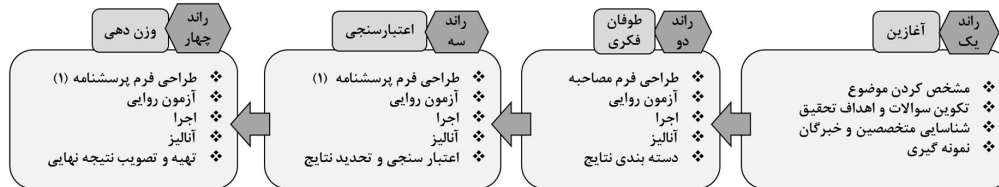
معاونت معماری و شهرسازی با ۶ اداره کل و ۳ نهاد وابسته، به‌عنوان یکی از ۹ معاونت زیرمجموعه شهرداری تهران و بالاترین مرجع مأموریتی شهرسازی و معماری این نهاد محسوب می‌شود و مسئولیت سیاست‌گذاری، هماهنگی، برنامه‌ریزی و کنترل و نظارت بر ساخت و ساز و ارتقای کیفیت شهرسازی و معماری شهر تهران را بر عهده دارد و با توجه به انبوه پروژه‌های خود، به‌عنوان سازمان پروژه‌محوری متصور می‌شود (شهرداری تهران، ۱۳۹۳). با توجه به لزوم دسته‌بندی پروژه‌ها از مراحل ابتدایی تعریف و برنامه‌ریزی سبد پروژه، با انجام تحقیقات میدانی و بررسی ردیف‌های اعتباری بودجه سنواتی معاونت شهرسازی و معماری تهران و سایر اسناد موضوعه مطابق شکل ۲، پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری را می‌توان در ۴ حوزه شهرسازی، معماری، حریم و بافت تاریخی در قالب پروژه‌های مطالعه - طراحی، ایجاد، توسعه، تملک و خرید تجهیزات دسته‌بندی کرد. پروژه‌هایی که سال شروع آنها، سال بودجه باشد، پروژه جدید و پروژه‌هایی که زمان شروع آنها در سال جاری و یا سال‌های قبل بوده و دارای حداقل پیشرفت فیزیکی باشند، پروژه نیمه‌تمام (موجود) نام می‌گیرند. بنا به وظایف محوله به این معاونت و تحقیقات میدانی صورت گرفته، جنس پروژه‌های آن بیشتر از نوع مطالعه و طراحی است. جامعه آماری این تحقیق کل پروژه‌های مطالعه و طراحی اولویت‌دار و در حال اجرای معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ شمسی است. لازم به ذکر است، در مجموع ۲۰ پروژه جدید و ۲۰ پروژه موجود برای بررسی انتخاب شد. از بین پروژه‌های جدید، ۱۰ پروژه که هم‌سو و هم‌راستا با اهداف و استراتژی‌های سازمان و دارای مطالعات فاز صفر و یک بودند برای انجام رتبه‌بندی انتخاب شدند. همچنین از بین پروژه‌های موجود، ۱۲ پروژه پیشرفت فیزیکی و ریالی بالای ۵۰ درصد داشتند که با در نظر گرفتن سیاست‌های ابلاغی هرساله بودجه‌ریزی شهرداری تهران مبنی بر اولویت قرار دادن پروژه‌هایی با درصد بالای پیشرفت فیزیکی در ردیف بودجه، مستقیم و بدون انجام رتبه‌بندی وارد سبد شدند. با توجه به محرمانه بودن اطلاعات پروژه، پروژه‌های منتخب پیشنهادی به‌صورت Pp (Proposed project) و پروژه‌های منتخب موجود با Ap (Active project) نشان داده می‌شوند.



شکل ۴. طبقه‌بندی پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران

شناسایی ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب سبب پروژه معاونت شهرسازی و معماری با روش دلفی (مرحله یک)

مطابق شکل ۵، فرآیند دلفی در این پژوهش دربرگیرنده مجموعه‌ای از مراحل و راندها است. رئوس اقدامات انجام‌شده و نتایج حاصل به شرح زیر است.



شکل ۵. فرآیند اجرای روش دلفی

منبع: Keeney et al., 2011, 4

راندها یک تکنیک دلفی با تعیین موضوع مورد بررسی یعنی شناسایی معیارها و زیرمعیارهای مؤثر در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و تکوین سؤالات و اهداف مرتبط با آن شروع شد. شناسایی خبرگان و متخصصین از مراحل مهم این راندها به شمار می‌رود. از مدیران، معاونان و کارشناسان ارشد شهرداری تهران و معاونت‌های برنامه‌ریزی و توسعه شهری در کنار مدیران کارشناسان شرکت‌های مهندسی مشاور شهرسازی و معماری و خبرگان دانشگاهی می‌توان به‌عنوان خبرگان برگزیده این پژوهش نام برد. از تکنیک گلوله برفی^{۱۸} (Biernacki & Waldorf, 1981, 141) به‌عنوان یکی از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش استفاده شد. روش کار در این تکنیک بدین صورت است که با توجه به موضوع تحقیق از خبرگان شناسایی شده، درخواست می‌شود تا افراد خبره و باتجربه چه به لحاظ حرفه‌ای و چه به لحاظ نظری و دانشگاهی را معرفی نمایند. این گروه شامل ۱۰ نفر از خبرگان و کارشناسان مرتبط با موضوع بود.

در راندها دوم، فرم مصاحبه به‌صورت بدون ساختار و بازطراحی شده و پس از تأیید روایی آن، در اختیار خبرگان و متخصصین برگزیده در مرحله قبل قرار گرفت و از آنها درخواست شد تا شخصاً طوفان مغزی برقرار کنند و نظرات خود را به‌صورت آزادانه مطرح نمایند. سپس فرم‌های مصاحبه جمع‌آوری شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پاسخ‌ها سازمان‌دهی، نظرات مشابه ترکیب، گروه‌بندی و موضوعات تکراری و حاشیه حذف و تا حد امکان پاسخ‌ها کوتاه گردید. لازم به ذکر است در این مرحله از نتایج مطالعات کتابخانه‌ای در خصوص موضوع نیز استفاده شد. در انتهای این راندها، ابعاد و معیارهای موضوع، در ۷ بعد و ۳۶ معیار دسته‌بندی شد تا به‌عنوان ورودی راندها سوم مورد استفاده قرار گیرد.

راند سوم به طراحی پرسش‌نامه برای اعتبارسنجی ابعاد و معیارهای شناسایی شده در راند دوم اختصاص پیدا کرد. به طوری که بعد از تأیید روایی آن یا روش اعتبار محتوا، از افراد مشابه در راند دوم خواسته شد تا نتایج نهایی راند دوم را با استفاده مقیاس لیکرت، رتبه‌بندی و به عبارتی تحدید نمایند تا مهم‌ترین عناوین (ابعاد و معیارها) انتخاب شود. بعد از اجرا و تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده می‌توان مهم‌ترین ابعاد و معیارهای مؤثر در دو محور انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران را طبق جدول زیر دسته‌بندی کرد.

جدول ۲. ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران

ابعاد و معیارهای مؤثر در مرحله اولویت‌بندی پروژه‌ها			ابعاد و معیارهای مؤثر در مرحله انتخاب پروژه‌ها		
معیار	بعد	اختصار	معیار	بعد	اختصار
میزان پیشرفت پروژه (فیزیکی، ریالی)	فنی	t 1	میزان انعطاف‌پذیری پروژه در به تعویق انداختن آن	TECH	tech
مقیاس عملکرد پروژه		t 2	تضمین موفقیت پروژه‌های دیگر		
تضمین موفقیت پروژه‌های دیگر (پیش‌نیاز بودن پروژه)		t 3	مقیاس عملکرد پروژه		
میزان انعطاف‌پذیری پروژه در به تعویق انداختن آن		t 4	مدت زمان انجام پروژه		
مدت‌زمان انجام پروژه		t 5	میزان برخورداری از دانش، تجربه و مهارت مرتبط با پروژه (نرم‌افزار)		
میزان اعتبار مورد نیاز برای اتمام پروژه (هزینه پروژه)	مالی	f 1	سهولت و پیش‌بینی تأمین مالی پروژه (تخصیص بودجه) در سازمان (منابع داخلی شهرداری)	مالی	fin
سهولت تأمین مالی پروژه (تخصیص بودجه) در سازمان	مالی	f 2	میزان منابع و اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای پروژه		
پتانسیل اجرای پروژه به صورت رویکردهای نوین و مشارکتی (عمومی - خصوصی)		f 3	پتانسیل اجرای پروژه به صورت رویکردهای نوین و مشارکتی (عمومی - خصوصی)		
میزان بدهی و دیون پروژه		s 1	هم‌راستایی با نیازها و خواسته‌های روز مردم		
هم‌راستایی با خواسته‌ها و نیازهای روز مردم	اجتماعی	s 2	میزان تأثیر بر سلامت جسمی، روحی و روانی شهروندان	اجتماعی	soc
عدالت فضایی	SOC	s 3	میزان تأثیر بر ایمنی و امنیت شهروندان		
تأثیر مثبت بر محیط زیست با تأکید بر کاهش آلاینده‌های محیطی	زیست محیطی	s 4	عدالت فضایی		
میانگین درصد ریسک‌های پروژه (چالش‌های فنی و حقوقی غیر قابل حل)	ریسک	e	تأثیر مثبت بر محیط زیست با تأکید بر کاهش آلاینده‌های محیطی	ریسک	env
		ec 1	اقتصادی تر بودن پروژه (سودآوری)		
اقتصادی تر بودن پروژه (قابلیت سودآوری)	اقتصادی	ec 2	میزان جذب و تشویق سرمایه‌گذاری‌های جدید و ایجاد اشتغال	اقتصادی	eco
میزان جذب و تشویق سرمایه‌گذاری‌های جدید و ایجاد اشتغال	ECO	ec 3	میزان تأثیر بر رقابت‌پذیری شهری		

هدف از راند چهار، رسیدن به یک اتفاق نظر در وزن‌دهی نتایج است. با توجه به وجود وابستگی بین ابعاد و معیارهای پیشنهادی از فرآیند تحلیل شبکه‌ای برای وزن‌دهی استفاده شد. در این مرحله، پرسش‌نامه متناسب با آن طراحی و بعد از تأیید روایی در اختیار اعضای نمونه قرار گرفت تا وزن نهایی نتایج مشخص شود. در قسمت بعد فرایند اجرا و نتایج حاصل از آن شرح داده شده است.

وزن‌دهی ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب سبد پروژه‌های معاونت شهرسازی و معماری با فرآیند تحلیل شبکه‌ای

مطابق شکل ۶، فرآیند تحلیل شبکه‌ای انجام شده برای این پژوهش را می‌توان در سه مرحله بیان کرد. لازم به ذکر است به دلیل طولانی و حجیم بودن ریز محاسبات، الزاماً بخشی از نتایج فرآیند تحلیل شبکه‌ای در این پژوهش با تأکید بر مرحله اولویت‌بندی نمایش داده شده است که در هر مرحله ورودی‌ها، اقدامات صورت گرفته و خروجی‌های مورد انتظار بیان شده است.



شکل ۶. فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) و خروجی‌های مورد انتظار از آن
منبع: زبردست، ۱۳۸۹، ۸۱ به نقل از Carlucci and Schiuma, 2008; Lee et al., 2009

ساخت مدل و تبدیل موضوع به یک ساختار شبکه‌ای

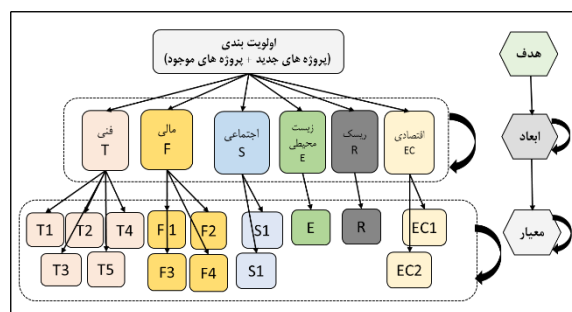
در گام اول این فرآیند، پس از مشخص شدن ابعاد و معیارهای مؤثر در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های موردنظر (نتایج راند سوم دلفی)، ابتدا لازم است برای تبدیل موضوع به یک فرآیند شبکه‌ای، ارتباط و وابستگی درونی ابعاد و معیارها نسبت به یکدیگر مشخص شود. در فرآیند تحلیل شبکه‌ای، افزون بر ارتباط سلسله مراتبی در بخش‌هایی از مدل ممکن است معیارها و زیرمعیارها با یکدیگر ارتباط و وابستگی متقابل داشته باشند. در این پژوهش سعی شد ابعاد و معیارهایی که دارای وابستگی درونی ملموس‌تری بودند، انتخاب شوند. جداول ۳ و ۴ نتایج نمونه‌ای از این وابستگی‌ها را نشان می‌دهد. در ادامه با توجه به نتایج وابستگی میان آنها، ساختار شبکه‌ای مربوط به هر یک رسم گردید. وابستگی بیرونی^{۱۹} خوشه‌ها (ارتباط عناصر درون یک خوشه با یک یا تمامی عناصر خوشه‌های دیگر) با پیکان (فلش) و وابستگی درونی^{۲۰} (ارتباط عناصر درون یک خوشه بین خودشان) با یک کمان متصل به آن خوشه نشان داده شده است.

جدول ۳. وابستگی درونی ابعاد (اولویت‌بندی)

ابعاد	(T)	(S)	(E)	(F)	(EC)	(R)
(T)	✓			✓		
(s)			✓	✓	✓	
(E)		✓		✓		✓
(F)		✓	✓		✓	✓
(EC)				✓	✓	✓
(R)			✓	✓	✓	✓

جدول ۴. وابستگی درونی معیارها (اولویت‌بندی)

EC2	EC1	R	E	S2	S1	F4	F3	F2	F1	T5	T4	T3	T2	T1	
		✓													T1
✓	✓	✓		✓	✓			✓	✓	✓					T2
															T3
					✓					✓		✓			T4
		✓						✓	✓						T5
		✓	✓										✓	✓	F1
✓	✓	✓		✓											F2
✓		✓								✓					F3
															F4
✓			✓	✓											S1
					✓										S2
✓		✓	✓	✓											E
		✓													R
✓		✓													EC 1
	✓				✓			✓	✓			✓	✓		EC 2



شکل ۷. ساختار شبکه‌ای برای اولویت‌بندی پروژه‌ها (پروژه‌های جدید + پروژه‌های موجود)

لازم است در این مرحله با توجه به نوع و ارتباط خوشه‌ها و عناصر با یکدیگر و مدل شبکه‌ای ترسیم و ساختار کلی سوپرماتریس یا همان سوپر ماتریس اولیه نیز مشخص شود.

$$W = \begin{matrix} & \begin{matrix} \text{هدف} \\ \text{ابعاد اصلی} \\ \text{معیارها} \end{matrix} \\ \begin{matrix} \text{هدف} \\ \text{ابعاد اصلی} \\ \text{معیارها} \end{matrix} & \begin{bmatrix} 0 & 0 & 0 \\ W_{21} & W_{22} & 0 \\ 0 & W_{32} & W_{33} \end{bmatrix} \end{matrix}$$

شکل ۸. ساختار سوپر ماتریس اولیه اولویت‌بندی (غیرموزون)

- تشکیل ماتریس مقایسه دودویی و تعیین بردارهای اولویت

در این مرحله، مقایسه دودویی ابعاد اصلی، معیارهای مربوط به ابعاد اصلی به وسیله اعضای دلفی (بر اساس مقیاس ۹ کمیته ساعتی) انجام گرفت و ضریب اهمیت هر یک مشخص گردید. همچنین برای درک وابستگی‌های متقابل بین ابعاد و همچنین درک این وابستگی بین معیارها، مقایسه دودویی به منظور دستیابی به عناصر ماتریس W_{22} ، W_{33} بر اساس مقیاس ۹ کمیته ساعتی انجام گرفت. یکی از نکات مهمی که در این مرحله باید در نظر گرفت بررسی سازگاری در قضاوت‌هاست که این مهم در نرم‌افزار مورد استفاده برای امتیاز دهی ابعاد و معیارها در هر مرحله بررسی شده و در صورت سازگار بودن قضاوت‌ها^{۲۱} (ضریب سازگاری در همه مراحل مورد اشاره عددی کمتر یا مساوی ۱/ را داشته است) مرحله بعد از سر گرفته شده است. در ادامه نتایج نمونه‌ای از این مقایسات دودویی و همچنین بردار موزون حاصل از آنها در زیر ارائه شده است.

	E	.124		e	.169
	EC 1	.016		ec 1	.009
	EC 2	.056		ec 2	.046
	F 1	.013		ec 3	.024
	F 2	.112		f 1	.079
	F 3	.043		f 2	.008
	F 4	.0008		f 3	.027
W (prioritize) =	F 4	.0008		s 1	.224
ANP	R	.013	W (selection) =	s 2	.08
	S 1	.21	ANP	s 3	.068
	S 2	.025		s 4	.032
	T 1	.01		t 1	.142
	T 2	.022		t 2	.044
	T 3	.113		t 3	.017
	T 4	.2		t 4	.024
	T 5	.034		t 5	.001

شکل ۱۱. بردار اهمیت نهایی

بدین ترتیب در انتهای این مرحله مطابق داده‌های ماتریس‌های فوق، امتیاز و رتبه هر یک از معیارهای انتخاب و اولویت‌بندی پروژها که در مرحله قبل به وسیله تکنیک دلفی مشخص و دسته‌بندی شده بودند، به دست آمد که طبق روش پیشنهادی این مقاله از نتایج آن در مرحله بعد برای رتبه‌بندی و تعریف سبد مدنظر استفاده می‌شود.

رتبه‌بندی نهایی پروژه‌های سبد تعریفی معاونت شهرسازی و معماری با تکنیک تاپسیس
 در این مرحله با توجه به ابعاد و معیارهای کمی و کیفی و وزن‌های به دست آمده در مراحل یک و دو، مطابق فرایند شکل ۱۲ با تکنیک تاپسیس به رتبه‌بندی پروژه‌ها در هر یک از مراحل انتخاب و اولویت‌بندی می‌پردازیم. به منظور به کارگیری تکنیک تاپسیس برای انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های این پژوهش مراحل زیر طی شد.



شکل ۱۲. فرآیند تاپسیس

منبع: اصغرپور، ۱۳۸۵، ۸۷؛ Olson, 2004, 722

گام اول: ابتدا باید معیارها و وزن‌های هر یک برای رتبه‌بندی پروژه‌های مورد بررسی شناسایی و دسته‌بندی شود که این گام در مراحل قبلی انجام شده است.

گام دوم: در گام دوم ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس تعداد گزینه‌ها (پروژه‌ها) و معیارهای استخراجی برای هر دو مرحله انتخاب و اولویت‌بندی، تشکیل می‌شود. لازم به ذکر است برای انجام فرایند تاپسیس در این پژوهش، از نرم‌افزار Excel استفاده شده است.

گام سوم: در این گام ابتدا باید ماتریس اولیه به ماتریس کمی تبدیل شود. یکی از ساده‌ترین راه‌ها استفاده از طیف لیکرت (خیلی زیاد (۹)، زیاد (۷)، متوسط (۵)، کم (۳)، خیلی کم (۱)) است. به علاوه شاخص‌های منفی باید به شاخص‌های مثبت تغییر یابند. برای این کار می‌توان بزرگ‌ترین عدد در هر ستون را در نظر گرفت و تمام اعداد ستون را از آن کم کرد. به جای - مقدار عددی. در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی پروژه‌های مذکور از نظر شاخص‌های موردنظر هیچ‌گونه کارایی نداشته‌اند.

گام چهارم: با توجه به اینکه واحد اندازه‌گیری معیارها با یکدیگر متفاوت است و نمی‌توان آنها را باهم مقایسه کرد و باید تمام اعداد بی‌مقیاس شود که برای این کار از فرمول اقلیدسی^{۲۱} در نرم‌افزار Excel استفاده شد.

$$r_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}}$$

$$i=1, 2, \dots, m;$$

$$j=1, 2, \dots, n.$$

شکل ۱۳. فرمول اقلیدسی

گام پنجم: در این گام ماتریس بی‌مقیاس شده، باید موزون شود که با ضرب کردن آن در ماتریس وزن هر معیار (میزان اهمیت معیارها) به دست می‌آید.

گام ششم: در این مرحله، بزرگ‌ترین مقدار هر شاخص به عنوان ایده‌آل مثبت (+A) و کمترین مقدار هر شاخص به عنوان ایده‌آل منفی (-A) تعیین می‌شود. پروژه‌ای ایده‌آل مثبت تلقی می‌شود که از همه شاخص‌ها بهترین نمره را کسب کند؛ و در مقابل بدترین پروژه آن است که از همه شاخص‌ها بدترین نمره را کسب کند برای تعیین آن می‌توان از روابط زیر استفاده کرد:

$$A^+ = \{(\max v_{ij} | j \in c_b), (\min v_{ij} | j \in c_c) | i = 1, 2, \dots, m\} = (v_j^+ | j = 1, 2, \dots, n)$$

$$A^- = \{(\min v_{ij} | j \in c_b), (\max v_{ij} | j \in c_c) | i = 1, 2, \dots, m\} = (v_j^- | j = 1, 2, \dots, n)$$

شکل ۱۴. روابط تعیین ایده‌آل مثبت و منفی

گام هفتم: در این مرحله با کمک مرحله قبلی، طبق فرمول زیر، میزان فاصله یا اندازه جدایی (فاصله اقلیدسی) هر پروژه از جواب‌های ایده‌آل مثبت و منفی مربوط به هر معیار موضوع پژوهش، محاسبه شد.

$$d_i^+ = \text{فاصله گزینه } i \text{ از ایده ال مثبت} = \left\{ \left(\sum_{j=1}^n (v_{ij}^+ - v_j^+)^2 \right)^{\frac{1}{2}} \quad i=1, 2, \dots, m$$

$$d_i^- = \text{فاصله گزینه } i \text{ از ایده ال منفی} = \left\{ \left(\sum_{j=1}^n (v_{ij}^- - v_j^-)^2 \right)^{\frac{1}{2}} \quad i=1, 2, \dots, m$$

شکل ۱۵. میزان فاصله هر پروژه

گام هشتم: در این گام، نزدیکی نسبی پروژه‌ها، به راه‌حل ایده‌آل محاسبه می‌گردد. برای این منظور می‌توان از فرمول زیر استفاده کرد.

$$CL_i^+ = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}, \quad 0 < CL_i^+ \leq 1 \quad i=1,2,\dots,m$$

شکل ۱۶. راه‌حل ایده‌آل

گام نهم: رتبه‌بندی نهایی هر یک از پروژه‌ها، بر اساس ترتیب نزولی CL_i انجام می‌گردد و بر این اساس می‌توان پروژه‌های مفروض را دسته‌بندی کرد. نتایج نهایی فرآیند تاپسیس برای رتبه‌بندی پروژه‌ها در دو مرحله انتخاب و اولویت‌بندی طبق جداول و نمودارهای زیر است.

جدول ۵. نتایج رتبه‌بندی پروژه‌ها در مرحله انتخاب پروژه

رتبه	CL	d - + d +	d +	d -	عنوان پروژه
1	0.662967	0.139165	0.046903	0.092262	pp3
2	0.606084	0.147823	0.05823	0.089593	pp1
3	0.559047	0.150114	0.066193	0.08392	pp8
4	0.534155	0.142038	0.066168	0.07587	pp9
5	0.511525	0.14874	0.072656	0.076084	pp10
6	0.502028	0.169967	0.084639	0.085328	pp2
7	0.4871	0.134318	0.068892	0.065427	pp7
8	0.468377	0.165424	0.087943	0.077481	pp6
9	0.316066	0.160301	0.109635	0.050666	pp5
10	0.118401	0.140858	0.12418	0.016678	pp4

جدول فوق بیانگر امتیاز و رتبه هر یک از پروژه‌های جدیدی است که برای مرحله انتخاب پروژه‌ها که بر اساس مشخصه‌هایی از قبیل هم‌راستا با استراتژی‌های سازمانی و دارا بودن پیوست‌های توجیهی انتخاب شده بودند، از طریق روش پیشنهادی این مقاله به دست آمده است. مطابق نتایج به دست آمده، پروژه pp3 با امتیاز ۶۶۲ / رتبه یک و پروژه pp4 با امتیاز ۱۱۸ / رتبه ده را به خود اختصاص دادند. از نتایج این مرحله (رتبه و امتیاز هر یک از پروژه‌ها) می‌توان در مرحله بودجه‌ریزی و تخصیص منابع به پروژه‌های جدید استفاده کرد.

جدول ۶. نتایج رتبه‌بندی پروژه‌ها در مرحله اولویت‌بندی

رتبه	CL	d - + d +	d +	d -	عنوان پروژه
1	4.779601	0.111841	0.019665	0.092176	Pp1
2	2.47786	0.124448	0.036709	0.087739	Pp2
3	2.459353	0.106182	0.031373	0.074809	Pp3
4	2.285765	0.115793	0.036117	0.079677	Pp10
5	1.912887	0.11407	0.04018	0.07389	Ap8
6	1.742317	0.111938	0.041889	0.070049	Ap6
7	1.682005	0.103696	0.03961	0.064086	Pp9
8	1.636954	0.118271	0.046113	0.072158	Pp6
9	1.540826	0.110745	0.044749	0.065996	Pp8
10	1.523689	0.108402	0.044077	0.064325	Pp7
11	1.509476	0.115301	0.047227	0.068074	Ap2
12	1.261448	0.108187	0.049123	0.059064	Ap3
13	0.749187	0.116538	0.068505	0.048033	Ap7
14	0.687094	0.130904	0.080005	0.050899	Ap5
15	0.612632	0.114804	0.073081	0.041723	Pp5
16	0.479345	0.111674	0.077285	0.034389	Ap1
17	0.445913	0.110811	0.078395	0.032416	Pp4
18	0.289103	0.113073	0.089359	0.023715	Ap4

همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، برای اولویت‌بندی پروژه‌ها، پروژه‌های جدید و پروژه‌های موجود (دارای حداقل پیشرفت فیزیکی) به صورت یکجا و با در نظر گرفتن معیارهایی در مقایسه با هم دیگر و با هدف رقابت برای کسب حداکثر منابع مورد بررسی قرار می‌گیرند. جدول فوق بیانگر امتیاز و رتبه هر یک از پروژه‌های جدید و موجود در مقایسه با یک دیگر است که می‌توان با استفاده از نتایج آن بهترین ترکیب ممکن از سبد مورد نیاز را تعریف و برنامه‌ریزی کرد و منابع را براساس امتیاز و رتبه هر یک در مقایسه با یکدیگر تخصیص داد.

نتیجه‌گیری

فرایند مدیریت سبد پروژه‌های شهری از چهار گام تعریف و برنامه‌ریزی سبد پروژه، تصویب، اجرا و نظارت و کنترل تشکیل می‌شود. در گام ابتدایی، سبد پروژه مورد نظر طی ۵ مرحله طبقه‌بندی پروژه‌ها، ارزیابی جامع پروژه‌ها، انتخاب پروژه‌ها، اولویت‌بندی پروژه‌ها و متوازن‌سازی سبدها (در صورت مواجه با بیشتر از یک سبد) تعریف و انتخاب می‌شود. در گام دوم در مورد تصویب و تخصیص منابع به سبد تعریفی، تصمیم‌گیری توسط کارگروه مشخص صورت می‌گیرد. اجرای سبد تصویب‌شده با استفاده از استانداردهای مدیریت پروژه اقدامی است که در گام چهارم فرآیند مدیریت سبد پروژه دنبال می‌شود و نهایتاً در گام آخر، سبد در حال اجرا با گزارش‌دهی منظم مورد پایش و نظارت مستمر قرار می‌گیرد. تصمیم‌گیری در مورد روش مناسب جهت انتخاب و اولویت‌بندی مناسب پروژه‌ها و انتخاب سبد بهینه‌ای از آنها، به‌عنوان یکی از اجزای اصلی و تأثیرگذار مدیریت سبد پروژه مطرح است. در این مقاله سعی شد ضمن شناسایی روش‌ها و ابزارهای انتخاب سبد پروژه، طبقه‌بندی جدیدی از آنها ارائه شود. مطابق یافته‌های این پژوهش، روش‌های انتخاب سبد پروژه را می‌توان در چهار دسته مدل‌های ارزش نسبی، مدل‌های ارزش اقتصادی، مدل‌های بهینه‌سازی و مدل‌های هوش مصنوعی طبقه‌بندی کرد. مدل‌های ارزش نسبی برخلاف مدل‌های ارزش اقتصادی، پروژه‌ها را بر اساس مقایسه در برابر مقیاس ثابت یا پروژه‌های دیگر مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از معیارهای کیفی و کمی به‌صورت توأمان در انتخاب پروژه‌ها بهره می‌برند. هم‌راستایی و هم‌سوئی انتخاب پروژه‌ها با اهداف و استراتژی‌های سازمانی یکی از مهم‌ترین کارکردهای الزامی مدیریت سبد پروژه در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌ها است که برای انجام این مهم در این پژوهش، ابتدا پروژه‌های انتخابی با اهداف و استراتژی‌های مدنظر مورد مطالعاتی تطبیق داده شد و از بین مجموع پروژه‌های جدید، پروژه‌هایی که هم‌راستایی و هم‌سوئی کاملی داشتند انتخاب شدند. در ادامه با توجه به لزوم توجه و استفاده توأمان از ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی و مالی در انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری، مدل پیشنهادی برای انتخاب سبد پروژه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به‌صورت ترکیبی از مدل‌های ارزش نسبی که شامل روش‌های دلفی، فرآیند تحلیل شبکه‌ای و تکنیک تاپسیس می‌شود، پیشنهاد و ارائه شد. مطابق نتایج تکنیک دلفی، برای انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری، معیارهای تصمیم‌گیری به‌صورت مجزا به ترتیب در پنج بعد فنی، مالی، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی برای مرحله انتخاب و رتبه‌بندی پروژه‌های جدید و شش بعد فنی، مالی، اجتماعی، زیست‌محیطی، ریسک و اقتصادی برای مرحله اولویت‌بندی و رتبه‌بندی پروژه‌های جدید و در حال اجرا با درصد پیشرفت فیزیکی کم مشخص و طبقه‌بندی شد. همچنین با مرور نتایج حاصل از فرایند تحلیل شبکه‌ای در هر دو مرحله انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌های شهری از منظر خبرگان، معیارهای اجتماعی، زیست‌محیطی و مالی نسبت به سایر معیارها امتیاز بیشتری گرفتند. از مهم‌ترین معیارهای مؤثر در مرحله انتخاب پروژه‌ها می‌توان به هم‌راستایی با نیازها و خواسته‌های روز مردم، تأثیر مثبت بر محیط زیست، میزان انعطاف‌پذیری پروژه در به تعویق انداختن و غیره اشاره

کرد. در کنار معیارهای برشمرده شده، معیارهایی مثل تضمین موفقیت پروژه‌های آتی، سهولت تأمین مالی و لزوم توجه به عدالت فضایی از مهم‌ترین معیارهای مؤثر در اولویت‌بندی پروژه‌ها هستند. در انتها با در نظر گرفتن معیارهای انتخاب پروژه، ابتدا رتبه ۱۰ پروژه منتخب در مرحله انتخاب پروژه‌ها به کمک تکنیک تاپسیس محاسبه و نتایج آن در قالب جدول ۵ ارائه شد. در ادامه با هدف تکمیل فرایند پیشنهادی، با در نظر گرفتن معیارهای اولویت‌بندی پروژه‌ها، سبدهای جدید و پروژه‌های موجود (نیمه تمام) با استفاده از تکنیک تاپسیس، تعریف و برنامه‌ریزی و عنوان و ترتیب پروژه‌های این سبد در قالب جدول ۶ مشخص شد. از نتایج این مرحله می‌توان در تخصیص منابع در گام دوم فرآیند مدیریت سبد پروژه بهره‌مند گردید. از مزیت‌های مدل پیشنهادی این پژوهش در مقایسه با سایر روش‌های پیشنهادی می‌توان به استفاده از نظرات ذی‌نفعان و خبرگان و صاحب‌نظران و مشارکت آنها در فرآیند انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌ها، در نظر گرفتن وابستگی بین ابعاد و معیارها در فرایند تصمیم‌گیری، کاربرد معیارهای ذهنی در کنار معیارهای عینی برای انتخاب مناسب پروژه‌ها اشاره کرد. سیستم‌های مدیریت شهری با اتخاذ رویکرد مدیریت سبد پروژه در مدیریت یکپارچه طرح‌ها و پروژه‌های خود می‌توانند در کنار هم‌راستایی هرچه بیشتر طرح‌ها و پروژه‌ها با اهداف و استراتژی‌های خود، تعادلی بین تعداد پروژه‌های تعریفی و میزان منابع خود برقرار کنند و گامی مؤثر در کارایی و اثربخشی هرچه بهتر و مؤثرتر عملیات خود بردارند. با استفاده از نتایج این تحقیق می‌توان به دید جامعی نسبت به رویکرد جدید مدیریت سبد پروژه و نحوه پیاده‌سازی آن در شهرداری‌ها دست یافت. به‌علاوه پیشنهاد می‌گردد، هنگام انتخاب پروژه‌ها به نکات زیر توجه شود:

- از خروجی مدل‌های ارزش نسبی و ارزش اقتصادی به‌عنوان ورودی‌های مدل‌های بهینه‌سازی استفاده شود، چراکه مدل‌های بهینه‌سازی قادرند تعامل پروژه‌ها از قبیل وابستگی منابع، محدودیت بودجه و غیره را در نظر بگیرند.
- قبل از ورود به فرایند انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌ها بهتر است، با کمک معیارهای الزامی به بازبینی پروژه‌ها پرداخت و پروژه‌هایی که با این معیارها سازگار نباشند را حذف کرد تا هم پروژه‌های مناسب وارد فاز تصمیم‌گیری شوند و هم فرایند آن ساده‌تر شود.
- سبد پروژه موردنظر بعد از انتخاب، با سایر سبدهای احتمالی سازمان مورد مقایسه قرار گیرد تا سازمان بتواند منابع محدود خود را بین سبدهای احتمالی خود به‌صورت اثربخش تخصیص دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. Portfolio
2. Clelend & King
3. Project Portfolio Management
4. Souder
5. Realism
6. Capability
7. Flexibility
8. Fitness for use
9. Cost
10. Easy to Computerize
11. Preference Degree

12. Eddie w. l. Cheng and Heng li
13. Multi Criteria Decision Making (MCDM)
14. Thomas L. Saaty
15. Analytic Hierarchy Process
16. Control Hierarchy
17. Network Relationship
18. Snowball (sampling)
19. Outer Dependence
20. Inner Dependence
21. $CR < /1$

فهرست منابع

- اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۵). تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ثقفی اصل، آرش؛ زبردست، اسفندیار؛ ماجدی، حمید (۱۳۹۲). «کاربرد تکنیک تاپسیس در رتبه بندی پروژه‌های طراحی شهری تهران با رویکرد سنجش تحقق پذیری»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۸(۴)، ۶۹-۷۸.
- حسن‌زاده، فرهاد (۱۳۸۹). مدیریت سبد پروژه‌های تحقیق و توسعه، دانشکده مهندسی صنایع، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- زارع اشکذری، جلال‌الدین، (۱۳۹۰)، «سیستم مدیریت سبد پروژه، مفاهیم، مبانی و رویکرد»، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه، تهران: گروه پژوهشی آریانا.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۹). «کاربرد فرآیند تحلیل شبکه‌ای در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای»، نشریه هنرهای زیبا، ۴۱، ۷۹-۹۰.
- شانیان، علی؛ سعدی‌نژاد، سهیل؛ داداش‌زاده، محمد، (۱۳۸۳)، «کاربرد مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره (MCDM) در انتخاب راهبرد مناسب جهت اجرای پروژه فناوری اطلاعات»، مجله مدیرساز، ۱۵، ۱۰۲-۱۱۶.
- شعاری، حمیدرضا (۱۳۸۸). «انتخاب بهینه پروژه‌ها در مدیریت سبد با استفاده از روش تصمیم‌گیری چندمعیاره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری دانشگاه تهران.
- شهرداری تهران (۱۳۹۳)، برنامه پنج ساله دوم شهرداری تهران ۹۳-۹۷، اداره کل برنامه و بودجه شهرداری تهران.
- Baker, Norman & Freeland, James (1975). "Recent advances in R&D benefit measurement and project selection methods", *Management science*, 21(10), 1164-1175.
- Biernacki, Patrick & Waldorf, Dan. (1981). "Snowball sampling: Problems and techniques of chain referral sampling", *Sociological methods & research*, 10(2), 141-163.
- Brunner, D., Fleming, L., MacCormack, A., & Zinner, D. (2008). "R&D Project Selection and Portfolio Management: A Review of the Past, a Description of the Present, and a Sketch of the Future", *Handbook of Technology and Innovation Management*, 215-225.
- Cheng, Eddie W.L., & Li, Heng. (2005). "Analytic network process applied to project selection", *Journal of construction engineering and management*, 131(4), 459-466.
- Cooper, Robert, Edgett, Scott, & Kleinschmidt, Elko. (2001). "Portfolio management for new product development: results of an industry practices study", *R&D Management*, 31(4), 361-380.
- Cooper, Robert G., Edgett, Scott J., & Kleinschmidt, Elko J. (2002). "Optimizing the stage-gate process: what best-practice companies do-1", *Research-Technology Management*, 45(5), 21-27.
- Englund, Randall L., & Graham, Robert J. (1999). "From experience: linking projects to strategy",

- Journal of Product Innovation Management*, 16(1), 52–64.
- Ghasemzadeh, Fereidoun, Archer, Norm, & Iyogun, Paul. (1999). “A zero–one model for project portfolio selection and scheduling”, *Journal of the Operational Research Society*, 50(7), 745–75.
 - Hasson, Felicity, & Keeney, Sinead. (2011). “Enhancing rigour in the Delphi technique research”, *Technological Forecasting and Social Change*, 78(9), 1695–1704.
 - Heidenberger, Kurt, & Stummer, Christian. (1999). “Research and development project selection and resource allocation: a review of quantitative modelling approaches”, *International Journal of Management Reviews*, 1(2), 197–224.
 - Henriksen, Anne D, & Traynor, Ann Jensen. (1999). “A practical R&D project–selection scoring tool”, *IEEE Transactions on Engineering Management*, 46(2), 158–170.
 - Kaiser, Michael G., El Arbi, Fedi, & Ahlemann, Frederik. (2015). “Successful project portfolio management beyond project selection techniques: Understanding the role of structural alignment”, *International Journal of Project Management*, 33(1), 126–139.
 - Kester, L., Griffin, A., Hultink, E.J., Lauche, K. (2011). “Exploring portfolio decision–making processes”, *Journal of Product Innovation Management*, 28 (5), 641–661.
 - Keeney, S, Hasson, F, & McKenna, H. (2011). *The Delphi technique in nursing and health research*. Chichester: Wiley–Blackwell View Article Google Scholar.
 - Kendall, Gerald I, & Rollins, Steven C. (2003). *Advanced project portfolio management and the PMO: multiplying ROI at warp speed*: J. Ross Publishing.
 - Kim, Ingu, Shin, Shangmun, Choi, Yongsun, Thang, Nguyen Manh, Ramos, Edwin R, & Hwang, Won–Joo. (2009). “Development of a project selection method on information system using ANP and fuzzy logic”, *World Academy of Science, Engg. and Tech*.
 - Landeta, Jon. (2006). “Current validity of the Delphi method in social sciences”, *Technological forecasting and social change*, 73(5), 467–482.
 - Le, Cao Minh, & Nguyen, Van Tau. (2008). *Strategy for project portfolio selection in private corporations in Vietnam*.
 - Levine, Harvey A. (2007). *Project portfolio management: a practical guide to selecting projects, managing portfolios, and maximizing benefits*: John Wiley & Sons.
 - Olson, David L. (2004). “Comparison of weights in TOPSIS models”, *Mathematical and Computer Modelling*, 40(7), 721–727.
 - Önüt, Semih, & Soner, Selin. (2008). “Transshipment site selection using the AHP and TOPSIS approaches under fuzzy environment”, *Waste Management*, 28(9), 1552–1559.
 - Opricovic, Serafim, & Tzeng, Gwo–Hshiung. (2004). “Compromise solution by MCDM methods: A comparative analysis of VIKOR and TOPSIS”, *European journal of operational research*, 156(2), 445–455.
 - Padovani, Marisa, & Carvalho, Marly M. (2016). “Integrated PPM Process: Scale Development and Validation”, *International Journal of Project Management*, 34(4), 627–642.
 - Pennypacker, James S, & Dye, Lowell D. (2002). “Project portfolio management and managing multiple projects: two sides of the same coin”, *Managing multiple projects*, 1–10.
 - Pennypacker, James, & Staff, Enterprise Portfolio Management Council. (2011). *Project Portfolio management: A view from the management trenches*: Wiley.

- Petro, Yacoub, & Gardiner, Paul. (2015). "An investigation of the influence of organizational design on project portfolio success, effectiveness and business efficiency for project-based organizations", *International Journal of Project Management*, 33(8), 1717-1729.
- PMI. (2017). *The Standard for PORTFOLIO MANAGEMENT (1-27)*. PENNSYLVANIA: PMI.
- Powell, Catherine. (2003). "The Delphi technique: myths and realities", *Journal of advanced nursing*, 41(4), 376-382.
- Prapawan, Pangri. (2015). "Application of the Multi Criteria Decision Making Methods for Project Selection", *Universal Journal of Management*, 3(1), 15-20.
- Rad, Parviz F. & Levin, Ginger. (2006). *Project portfolio management tools and techniques*: www.iil.com/publishing.
- Rose, Kenneth H. (2013). "A Guide to the Project Management Body of Knowledge (PMBOK® Guide)—Fifth Edition", *Project Management Journal*, 44(3), 3-20.
- Schmidt, Robert L, & Freeland, James R. (1992). "Recent progress in modeling R&D project-selection processes", *IEEE Transactions on Engineering Management*, 39(2), 189-201.
- Souder, William E. (1973). "Utility and perceived acceptability of R&D project selection models", *Management Science*, 19(12), 1384-1394.
- Turner, J Rodney. (2014). *The handbook of project-based management (Vol. 92)*: McGraw-Hill.